

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

اکبر نوروزی
۰۷ جولای ۲۰۲۴

حمایت از حماس معنای جز حمایت از ارتجاع ندارد

در بستر نسل‌کشی و جنایات ددمنشانه و غیر قابل تصور دولت صهیونیستی اسرائیل علیه خلق ستمدیده فلسطین که از بدو اشغال سرزمین فلسطین و حاکمیت صهیونیست‌ها در آن ادامه داشته است، این روزها شاهد یک نسل‌کشی جدید البته با همکاری مستقیم امپریالیسم امریکا و حامیان سرسپرده اش علیه مردم فلسطین در غزه می‌باشیم که شروع یا “استارت” آن از هفتم اکتبر انجام گرفت. با اقدام برای نسل‌کشی در جریان بمباران‌های وحشیانه و هیستریک ارتش اسرائیل به بیمارستان‌ها، مدارس، شبکه‌های برق و سوخت و خانه و کاشانه مردم بی‌گناه فلسطین در غزه، تا کنون نزدیک به ۴۰ هزار تن از مردم ستمدیده فلسطین که نیمی از آنان کودکان و زنان می‌باشند، قربانی شرارت‌های رذیلانه صهیونیست‌ها و امپریالیست‌ها گردیده‌اند.

همانطور که شاهد بوده‌ایم از همان هفتم اکتبر دولت صهیونیستی اسرائیل، امپریالیسم امریکا و حامیان‌شان مدام در رسانه‌های غول پیکر و تحت کنترل خود، جنگ خانمان‌سوز کنونی اسرائیل علیه مردم بی‌دفاع و بی‌گناه فلسطین را جنگ بین اسرائیل و حماس جلوه داده و با تکیه بر حمله دار و دسته ارتجاعی حماس در ۷ اکتبر به اسرائیل و به بهانه آن سعی در مخدوش کردن حافظه تاریخی مردم جهان، به خصوص مردم خاورمیانه در مورد ریشه بحران فلسطین و نسل‌کشی این خلق توسط صهیونیست‌ها دارند.

اما کیست که نداند دولت اسرائیل یک نیروی متجاوز است که با کمک و همکاری بی‌دریغ دولت‌های قدرتمند سرمایه‌داری جهانی برای اشغال فلسطین شکل گرفته و تا کنون برای تحکیم سلطه خود دست به هرنوع کشتار و جنایتی زده است. این توضیح کوتاه نمایانگر عامل اصلی کشتار و قتل‌عام خلق ستمدیده فلسطین در جنگ کنونی در غزه می‌باشد. در این میان امروز شاهدیم که برخی افراد و جریان‌های سیاسی با تکیه بر جنایات بی‌شرمانه دولت اسرائیل در حق مردم فلسطین سعی در لاپوشانی ماهیت ارتجاعی حماس و نقش آن به مثابه “آتش بیار معرکه” می‌کنند. اما واقعیت این است که دار و دسته حماس یک نیروی بنیاد گرای اسلامی و مرتجع است و مدارک منتشر شده بیانگر آنند که حماس با همکاری خود دولت اشغالگر اسرائیل ساخته و پرداخته شده است تا با تقویت این نیروی بنیادگرای اسلامی، انقلاب مردم فلسطین را در زیر پرچم نیروهای اسلامی به بیراهه کشانده و نیروهای ملی و سکولار و مهم‌تر از آن نیروهای کمونیست و چپ در جنبش فلسطین را تضعیف کند یا از بین ببرد.

حماس در طول سالیان با اعمال خود نشان داده است که یک نیروی ارتجاعی بنیادگرای اسلامی آلت دست صهیونیسم و امپریالیسم می‌باشد. بنابراین هرگونه تطهیر حماس حتی ناآگاهانه هم بوده باشد در خدمت به انحراف کشاندن و مخدوش کردن مبارزات آزادی‌بخش خلق فلسطین و خاک پاشیدن به چشم مردم می‌باشد. آنان که با گمراهی به اتخاذ موضع به غایت ارتجاعی دفاع از حماس افتاده و سعی دارند این نیرو را در قالب یک گروه انقلابی جلوه دهند، چشم بر اعمال ارتجاعی این نیروی بنیادگرایی اسلامی که در جهت مخالف منافع مردم ستمدیده فلسطین در منطقه بوده است، می‌بندند. چگونگی شکل‌گیری این جریان ارتجاعی که از طرف دستگاه‌های اطلاعاتی و امنیتی امپریالیسم آمریکا و اسرائیل پر و بال گرفت به طور مثال در کتاب “بازی با شیطان” که نویسنده آن رابرت داریفوس می‌باشد، به طور مفصل توضیح داده شده است. در این کتاب نویسنده با تکیه بر اسناد غیر قابل انکار به نقش کامل آمریکا و اسرائیل در چگونگی شکل‌گیری این جریان ارتجاعی اشاره کرده و نشان می‌دهد که چگونه سازمان‌های جاسوسی این کشورها امثال سیا، موساد و شین‌بت (سازمان امنیت ملی اسرائیل) به تقویت و حمایت حماس برای به‌دست گرفتن رهبری خلق فلسطین و کوتاه‌کردن دست کمونیست‌ها و نیروهای آزادی‌خواه ملی مبادرت کردند. بنابراین جای تعجب نیست که امروز شاهد هستیم که حماس و بنیادگرایی اسلامی به ابزار مناسبی در دست دشمنان مردم فلسطین برای توجیه و سرپوش گذاشتن بر جنایات وحشیانه اسرائیل در آمده است. می‌بینیم که سناریوی امپریالیستی شکل‌گیری نیروهای ارتجاعی در منطقه با کمک دلارهای کشورهای عربستان، ایران و دیگر کشورها برای به انحراف در آوردن مبارزات ضد امپریالیستی در منطقه، امروز با وضوح هرچه بیشتری به بار نشسته است. هرچند این سناریو تا کنون ضربات جبران‌ناپذیری را به مردم این منطقه وارد آورده است.

تا قبل از طرح بنیادگرایی اسلامی در منطقه، مردم جهان به خوبی به یاد دارند که در دهه‌های ۶۰ و ۷۰ با ایجاد هر تنش و حمله از طرف اسرائیل و دیگر دشمنان‌شان در هر اعتراض و تظاهرات، مردم منطقه در قدم اول به آتش‌زدن پرچم آمریکا پرداخته و آگاهی عمیق خود را از دشمن اصلی‌شان به نمایش می‌گذاشتند. اما امروز با رشد بنیادگرایی در منطقه که خود را مخالف امپریالیسم جا می‌زند، می‌بینیم که وضع سابق به نفع آمریکا و شرکایش تغییر کرده است. ما امروز شاهد ظهور جریانات بنیادگرای اسلامی هستیم که پشت سر آنان دستان خونین کشورهای سرمایه‌داری به خصوص دست امپریالیسم آمریکا به طور آشکار نمایان می‌باشد. همچنین مردم میهن ما فراموش نکرده‌اند که در جریان انقلاب قهرمانانه توده‌ها در سال ۱۳۵۷، آمریکا در کنفرانس گوادلوپ، چگونه بنیادگرایی اسلامی را با علم کردن دار و دسته خمینی به قدرت رساند و انقلاب ضد امپریالیستی ما را با ادعای قلابی و بی‌پایه ضد امپریالیسم بودن این دار و دسته به انحراف کشانده و به دامن ارتجاع اسلامی سپرد. همچنین در ادامه طرح بنیادگرایی اسلامی، ما شاهد ظهور مجاهدین افغان، این نیروی دست‌ساز امپریالیسم آمریکا در منطقه بودیم و دیدیم که چگونه در مقابل تجاوز شوروی به افغانستان مجاهدین افغان به همکاری با سیا پرداختند. این نمونه‌ها که همگی با استناد به صدها فاکت به اثبات رسیده است، جای هیچ‌گونه شکی باقی نمی‌گذارد که امپریالیست‌ها برای در بند نگاه داشتن مردم منطقه خاورمیانه دست به چه توطئه‌هایی می‌زنند.

از نمونه‌های دیگر در رشد بنیادگرایی در منطقه می‌توان به ۱۱ سپتامبر اشاره کرد که چگونه القاعده ساخت آمریکا با حمایت سیا فاجعه ۱۱ سپتامبر را شکل دادند. در این مورد نیز فاکت‌های زیادی رو شد به طوری که برخی از جمله مایکل چوسوداوسکی می‌نویسد: “آنهايي که به نام دموکراسی جنگ جهانی علیه تروریسم را رهبری می‌کنند، همان‌هایی هستند که سازمان تروریستی‌ای را که خود به وجود آورده‌اند، حمایت و تامین مالی می‌کنند.”

از نیروهای دیگر ارتجاعی می‌توان به داعش، جهاد اسلامی، الشباب و بسیاری از گروه‌های دیگر اشاره کرد که چگونگی شکل‌گیری آنان توسط امپریالیسم آمریکا و حامیانش بارها افشا گشته و نشان داده شده است که این دشمنان مردم خاورمیانه و جهان چگونه توسط نیروهای دست‌ساز خود، مبارزات حق‌طلبانه مردم را به بیراهه کشانده و سرکوب می‌کنند.

همانطور که اشاره شد، دولت صهیونیستی اسرائیل با کمک امپریالیسم جهت سرپوش گذاشتن به جنایات هولناک و ددمنشانه خود علیه مردم غزه، نیروی ارتجاعی حماس را دستاویزی برای رسیدن به اهداف اشغال‌گرانه خود و تامین منافع اربابان امپریالیستش تبدیل نموده است. این دولت اشغالگر با دمیدن بر تنور جنگ و میلیتاریزه کردن منطقه، صنایع نظامی را رونق داده و سیاست گسترش سلطه خود را پیش می‌برد.

حال با استناد به توضیحات داده شده نگاهی به مواضع و نظرات برخی از افراد و جریان‌های سیاسی می‌اندازیم تا نشان دهیم که چگونه آنها با حمایت و دفاع آشکار از بنیادگرایی اسلامی و دار و دسته حماس این نیروهای ارتجاعی را به طور بی‌شرمانه و با گستاخی نیروی مقاومت می‌نامند.

ابتدا نگاهی به مقاله حزب کار ایران (توفان) به تاریخ چهارشنبه ۱۹ مهرماه ۱۴۰۲ با عنوان “چپ ضد کمونیست و صهیونیستی را افشا کنیم” خواهیم انداخت. در این مقاله آنها با لاف‌ها اعتقاد به مبارزات ضد امپریالیستی و ضد صهیونیستی به دفاع از نیروی بنیادگرای اسلامی حماس که مورد حمایت مالی و تسلیحاتی جمهوری اسلامی هم قرار دارد می‌پردازند و برای موجه جلوه دادن موضع ارتجاعی خود در حمایت از این نیروی ارتجاعی به نقد منصور حکمت متعلق به “حزب کمونیست کارگری”، فرد به واقع ضدکمونیستی که تحت نام اسلام سیاسی به نوبه خود سعی کرد مبارزه با امپریالیسم و صهیونیسم را به بیراهه برده و مسیر اصلی مبارزات مردم را با عنوان مبارزه با اسلام سیاسی به انحراف ببرد، می‌پردازند. مقاله حزب کار ایران (توفان) در حالی که حماس را یک نیروی انقلابی درخشان می‌نامد، می‌نویسد: “آنوقت مشتی مزدور ایرانی پیدا می‌شوند به فلسطینی‌ها توصیه می‌کنند از مبارزات آزادی‌بخش عمومی مقاومتی که با نقش موثر حماس به وجود آمده و نماینده منتخب و دموکراتیک مردم فلسطین است، حمایت نکنند و به اسارت و خفت تن در دهند، زیرا حماس ایدئولوژی ارتجاعی داشته و اسلام‌گرا و از نزدیکان جمهوری اسلامی است.” نویسندگان این مطلب در ادامه تاکید می‌کنند که: “جنگ در فلسطین ۷۵ سال است که آغاز شده نه در ماه اکتبر ۲۰۲۳ بعد از پیروزی درخشان و انقلابی سازمان حماس و متحدانش در یک عملیات تحسین برانگیز، قهرمانانه، ماندنی و راهبردی که ژئوپلیتیک جهان را برهم زد.”

شواهد و اسناد موجود همگی بیانگر حمله دولت اسرائیل با هدف ویران کردن غزه و نسل‌کشی مردم فلسطین به بهانه اعمال گروه‌های ارتجاعی مذهبی می‌باشد. اما این واقعیت نافی واقعیت دیگر نیست که پس از اعلام موجودیت اسرائیل در سال ۱۹۴۸ صهیونیست‌ها کشتار خونین “دیر یاسین” را شکل دادند که یکی از فجیع‌ترین کشتارهای مردم فلسطین توسط جنایتکاران صهیونیستی بود. از نمونه‌های دیگر که بیانگر تاریخی از تجاوز حاکمین صهیونیست به خلق فلسطین می‌باشد می‌توان به کشتارهای تل زعتر، صبرا و شتیلا یا کشتار توده‌های رنج‌دیده فلسطین در اردوگاه جنین اشاره کرد. این نمونه‌ها و نمونه‌های بسیار دیگر، وحشی‌گری ارتش اسرائیل را در تاریخ به ثبت رسانده است. اما بر خلاف ادعای حزب کار ایران (توفان) آنچه در طی ۷۵ سال از جنایات اسرائیل بر مردم فلسطین گذشته است در مقابل این واقعیت قرار ندارد که حماس با حمله هفت اکتبر خود دست اسرائیل را برای نسل‌کشی مردم غزه باز گذاشت. امروز بر همگان آشکار گردیده است که یاهوگوبیان و دست‌بوسان بورژوازی در مصاحبه‌ها و رسانه‌های خود با اتکا به حماس و اعمال ارتجاعی آن جنگ و جنایات اسرائیل در غزه را توجیه می‌کنند.

حزب کار ایران (توفان) و جریان‌های سیاسی دیگر که به پشتیبانی از دار و دسته ارتجاعی حماس برخاسته و این نیرو را یک نیروی انقلابی جا می‌زنند، در قدم اول با دروغ و فریبکاری سعی در پنهان کردن ساخته شدن حماس به دست اسرائیل دارند. این پنهان‌کاری را حزب کار ایران (توفان) در گزارشی با عنوان «آیا حماس ساخته دست اسرائیل است» انجام داده است. اما در مورد این امر که حماس ساخته دست اسرائیل می‌باشد، فاکت‌های زیادی وجود دارد. از جمله در سال ۱۹۸۱ روزنامه نیویورک تایمز گفتگویی با اسحاق سگو فرمانده نظامی در غزه داشت که در آن گفتگو وی می‌گوید: «بنیادگرایان اسلامی کمک‌های زیادی از اسرائیل دریافت می‌کنند. دولت اسرائیل بودجه‌ای در اختیار من گذاشت...» و در جایی دیگر یاکوپوری، رئیس سابق شین بت، نهاد امنیتی اسرائیل از آگاهی خود از ساخته شدن حماس می‌گوید: «من از سال ۱۹۸۸ تا ۱۹۹۵ رئیس آژانس بودم، من شاهد ظهور جنبش حماس بودم و به یاد دارم که ارزیابی ما این بود که بیشتر شبیه یک جنبش اجتماعی است.»

حزب کار ایران، اگر از تاریخ ۷۵ ساله جنگ اسرائیل و فلسطین سخن می‌گوید به این امر واقف است که چگونه دستگاه‌های اطلاعاتی و امنیتی امریکا و اسرائیل به تقویت بنیادگرایی اسلامی و حماس پرداختند تا کمونیست‌ها و نیروهای ملی و آزادی‌خواه را به حاشیه برانند و امکان دست بالا پیدا کردن نیروهای ارتجاعی در رهبری خلق فلسطین را فراهم سازند. در همین رابطه لازم می‌دانم اشاره‌ای به سخنرانی رفیق فریبرز سنجری در کلاب هاوس بذریه‌های ماندگار که به تاریخ ۲۲ اکتبر سال ۲۰۲۳ انجام گرفت و در نشریه پیام فدائی شماره ۲۹۱ ارگان چریک‌های فدایی خلق ایران به چاپ رسیده است، بیندازم. رفیق فریبرز سنجری می‌گوید: «این که حماس خودش زاده سیاست‌های اسرائیلی، این واقعیت که اسرائیل حماس رو ساخت و پرورش داد، البته امر پوشیده‌ای هم نیست و امری است که خیلی از طرفداران اسرائیل هم به آن اذعان دارند. به این واقعیت حتی سفیر پیشین امریکا در عربستان یعنی «چارلز فریمن» اذعان کرد.» در واقع این نقشه «شین بت» سازمان امنیت ملی اسرائیل بود که فکر می‌کرد حماس می‌تواند سازمان آزادی‌بخش فلسطین را به حاشیه براند. در این سخنان آشکار است که صهیونیست‌های اسرائیل با این هدف که با کمک افراطیون مذهبی اسلامی بتوانند ناسیونالیسم فلسطینی و نیروهای انقلابی فلسطینی رو به حاشیه برانند و شکست دهند، دست به ساختن حماس زدند. بنابراین یکی از علل به وجود آوردن حماس از طرف صهیونیست‌های اشغالگر، جلوگیری از رشد و نفوذ و گسترش نیروهای کمونیست و انقلابی می‌باشد. پر واضح است که آدمکشان حرفه‌ای با نسل‌کشی و کشتارهای جنون‌آمیز و غیر قابل توصیف در جهت منافع حقیرشان با توجیه مبارزه با تروریسم و بنیادگرایی اسلامی و غیره، مرگ را منبع درآمدی سودمند کرده و با میلیتاریزه کردن بیشتر خاک فلسطین و منطقه و ایجاد کانون‌های جنگ، رونق بیشتری به کارخانه‌های تولید مرگ یعنی اسلحه‌سازی و صنایع نظامی خود می‌دهند تا با کشتار بی رحمانه انسان‌های بی‌گناه به ثروت‌های نجومی غیر قابل توصیف دست یابند.

از جریان‌های سیاسی و افراد دیگری که گروه ارتجاعی حماس را نیروی مقاومت جنبش خلق فلسطین معرفی می‌کنند، می‌توان از فرخ نگهدار عنصر خائن و منفور که سال‌ها در رهبری سازمان فدائیان خلق (اکثریت) قرار داشت، نام برد. از این شخص منفور رسانه‌های جیره خوار امپریالیستی سال‌هاست با توسل به دروغ و فریب با عناوین گوناگون امثال رهبر سابق چریک‌های فدایی خلق و غیره یاد می‌کنند. فرخ نگهدار این چهره خائن جنبش در قسمتی از مصاحبه‌ای که با عنوان «حماس همان کاری را کرد که چریک‌های فدایی در سیاهکل انجام دادند» با شارلاتانتاریسم و اراجیف‌گویی که تنها شایسته خود او و سازمان خائن‌اش می‌باشد، مبارزین انقلابی سیاهکل را در کنار نیروی بنیادگرای ارتجاعی حماس قرار داد و به این ترتیب حمایت خود از دار و دسته مرتجع حماس را اعلام کرد. در اینجا لازم به یادآوری می‌باشد که این عنصر منفور و خائن در سال ۱۳۴۷ به دلیل فعالیت‌های سیاسی در دادگاه به ۵ سال زندان محکوم

گردیده بود، اما در سال ۱۳۴۹ با نوشتن ندامت‌نامه به درگاه شاه دیکتاتور، در تاریخ چهارم آبان ۱۳۴۹ به مناسبت تولد آن دیکتاتور موردعفو «ملوکانه» قرار گرفت و از زندان آزاد گردید. واقعیت این است که بر خلاف گفته‌های آخوند نگهدار (نامی که برخی به درستی روی او گذاشته‌اند) در مصاحبه‌ها و رسانه‌ها، وی هیچ ربطی به مبارزات خونین چریکهای فدایی خلق و مبارزین قهرمان سیاهکل و تشکیل سازمان چریکهای فدایی خلق ایران نداشته است. او بعد از ضربات سنگین سال ۵۵ در شرایط ضعف مرکزیت باقیمانده سازمان و در آستانه سقوط رژیم شاه، با تعدادی از هم نظران فرصت‌طلب و رفرمیست به درون سازمان چریکها نفوذ کرده و بعد از سرنگونی رژیم استبدادی شاه و انقلاب مردم در سال ۵۷، در راس سازمان قرار گرفتند و به سیاست‌های واپس‌گرانه و پشتیبانی از رژیم قرون وسطایی جمهوری اسلامی پرداختند و به لو دادن و دستگیری و به زندان انداختن نیروهای انقلابی مبادرت کردند. در امتداد این سیاست‌های خائنانه، امروز ما شاهد دفاع از ارتجاعی‌ترین گروه‌های بنیادگرایی اسلامی در منطقه از سوی وی می‌باشیم. اکنون با رجوع و بسنده کردن به موردی از اراجیف مشمنزکننده و دروغگویی این سفسطه‌گر خائن که در حمایت از گروه ارتجاعی حماس می‌باشد، به نظرات بغایت ارتجاعی او در توجیه نسل‌کشی تاریخی و کشتار مردم فلسطین اشاره‌ای خواهیم داشت.

این عنصر خائن در قسمتی از مصاحبه خود با اشاره به گروه حماس چنین می‌گوید: «حماس عالمانه، عامدانه خواسته کاری کنه کارستان». حقیقت این است که برجسته کردن اعمال حماس و بنیادگرایی اسلامی، پدیده‌ای تازه نمی‌باشد، همانطور که دولت صهیونیستی اسرائیل و امپریالیست‌های آدمکش و حامیانش که دستشان تا مرفق به خون انسان‌های بی‌گناه آغشته گشته، همچنان بر طبل آن می‌کوبند و مزدورانی چون نگهدارهای خائن نیز، پست فطرتی خودشان را در مقابل هر جنایت هولناک ضد بشری به نمایش می‌گذارند.

برای کسانی که چشمی برای دیدن دارند پوشیده نیست که جنگ ضد خلقی کنونی، جنگ دولت اشغالگر اسرائیل با توده‌های رنج‌دیده فلسطین می‌باشد. اسرائیل و کشورهای امپریالیستی به بهانه حمله هفت اکتبر حماس کشتار و نسل‌کشی دیگری را در تاریخ اشغالگرانه و جنایتکارانه‌اش رقم می‌زنند. از هفتم اکتبر با حمله ارتجاعی حماس، رسانه‌های جیره‌خوار امپریالیستی و صهیونیستی با بوق و کرنا در شبکه‌های اجتماعی و غیره با فریبکاری تمام برای سرپوش گذاشتن به جنگ‌افروزی، نسل‌کشی مردم فلسطین و جنایات ضد بشری، آن را جنگ اسرائیل با حماس نام گذاشتند؛ جنگی که تا کنون مردم جهان شاهد قربانی شدن دهها هزار از مردم بی‌گناه فلسطین بوده‌اند. این موضوع که حماس با اقدام هفتم اکتبر خود زمینه را برای نسل‌کشی مردم فلسطین در غزه فراهم کرده است، در گزارشات مختلف آشکار است.

اتفاقاً در مقابل نویسندگان حزب کار (توفان) و عنصر خائنی مثل فرخ نگهدار که در هماهنگی با رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی نقش حماس را در نسل‌کشی مردم فلسطین توسط دولت جنایتکار اسرائیل پنهان می‌کنند، انسان‌های شریفی وجود دارند که شواهدی به دست می‌دهند که اسرائیل به بهانه حماس نسل‌کشی خود را توجیه می‌کند. چنانچه در یکی از ویدئوهای منتشر شده در شبکه‌های اجتماعی، یک دکتر نروژی که به مدت ۱۶ سال در بیمارستان الشفا در غزه طبابت کرده بود به عنوان یک شاهد عینی می‌گوید: «حمله به بیمارستان الشفا کار خود اسرائیل بود. آنها به بهانه حضور حماس در این بیمارستان زنان، مردان و کودکان مجروح و آوارگانی که به بیمارستان پناه آورده بودند را بمباران کردند». در ویدئوی دیگر که از همین دکتر در فضای مجازی پخش گردید، وی چنین می‌گوید: «مسئول این جنایات را شخص بایدن رئیس جمهور آمریکا و سایر روسای کشورهای غربی و اروپایی می‌دانم و در ادامه بمباران کردن بیمارستان‌های الشفا و العوده را «خاکسپاری انسانیت» می‌نامد.

شواهد و دلایل جنگ کنونی اسرائیل در غزه ثابت می‌کند که دولت صهیونیستی اسرائیل، حماس را دستاویزی برای توجیه جنایات‌اش قرار داده است؛ وگرنه چرا به هشدار دولت مصر توجه نکردند. نمایندگان دولت مصر بعد از حمله ۷ اکتبر رسماً اعلام کردند که به دولت اسرائیل قبل از حمله حماس به آنها هشدار داده بودند. همچنین می‌دانیم که دولت اسرائیل عملاً از حرکت‌هایی که در مرز با غزه انجام می‌گرفته چشم پوشی کرده‌است برای نمونه مادر یکی از سربازان اسرائیل در کنار حصار بین اسرائیل و غزه اعلام کرده که پسرش در زمان نگرانی حرکتی را دیده و گزارش داده که به آنها توجه نشده است. مادر این سرباز چنین می‌گوید: چند روز پیش از حمله حماس، این سرباز و همکارانش اوضاع غیر عادی محل خدمت‌اشان را به مقامات بالا گزارش دادند. اما دولت اسرائیل نسبت به این هشدارها چشم‌پوشی کرده‌است. همچنین بر مبنای گزارشات منتشر شده در مطبوعات اسرائیل، به ادعای ارتش این کشور این ارتش دارای چنان تجهیزات الکترونیکی تجسسی و پیشرفته در مرز غزه می‌باشد که حتی پرواز یک پرنده روی دیوار و یا حتی نزدیک شدن یک سوسک به پای دیوار قابل رهگیری می‌باشد! پس چرا تدارکات لازم برای حمله ۷ اکتبر دیده نشد؟

بنابراین با دلایل و شواهدی که به آن اشاره گردید، دولت اسرائیل آگاهانه دست حماس را باز گذاشته تا از این طریق به اهداف و طرح شوم خود که همان تداوم نسل‌کشی، تجاوز و کشتار و خونریزی می‌باشد، دست یابد و از سوی دیگر همچنان حماس را بهانه‌ای برای این کشتار و تجاوز قلمداد کند.

با توجه به این حقایق و فاکت‌ها این حقیقتی‌ست که هر گونه دفاع آگاهانه و ناآگاهانه از حماس از سوی نیروهای واقعا دلسوز خلق فلسطین، سیاستی باطل بوده که نهایتاً در خدمت بخشی از دشمنان رنگارنگ خلق فلسطین یعنی امپریالیست‌ها و وابستگان‌شان قرار خواهد گرفت. یک سیاست انقلابی در مورد جنگ جنایت‌بار جاری در فلسطین و نسل‌کشی مردم آن سرزمین، امپریالیسم و صهیونیسم و تمامی مرتجعین منطقه را به مثابه عامل اصلی این فاجعه محکوم می‌کند. اما این محکومیت به هیچ‌وجه نباید به دنبال‌روی و دفاع از نیروی ضد انقلابی حماس ختم گردد. آنها - برغم هرگونه نفوذی هم که در میان بخشی از توده‌های تحت ستم فلسطین داشته باشند-، به عنوان بخشی از پروژه بنیادگرایی اسلامی دست‌ساز امپریالیست‌ها، دشمنان انقلاب مردم فلسطین علیه اسرائیل و حق تعیین سرنوشت این خلق می‌باشند.

وظیفه همه نیروهای واقعا انقلابی و راستین است که با تمام توان جنایات و تداوم نسل‌کشی دولت اسرائیل علیه مردم فلسطین را محکوم کنند و ماهیت فریبکاران و دمکراسی دروغین نهادها و قدرت‌های امپریالیستی به‌خصوص امپریالیسم امریکا و حامیان‌ش و سازمان ملل و همچنین دولت‌های وابسته عرب و گروه‌های ارتجاعی مانند حماس را افشا کنند و به دفاع از مقاومت مردم فلسطین که مبارزه‌ای برای آزادی، حق تعیین سرنوشت در سرزمین مادری و کلا مبارزه‌ای به عنوان سمبل آزادی‌خواهی در جهان می‌باشند، بپاخیزند.

نگ و نفرت بر دولت اشغالگر اسرائیل!

نابود باد امپریالیسم و صهیونیسم!

پیروز باد انقلاب فلسطین!

اکبر نوری